

افزایش بهای اسکناسهای پشت سبز

نوشتهٔ جان کرگل

دلار ایالات متحده به هرج و مرج پولی داخل کشور پایان داد و به صورت مهمترین پول رایج بین‌المللی در آمد.

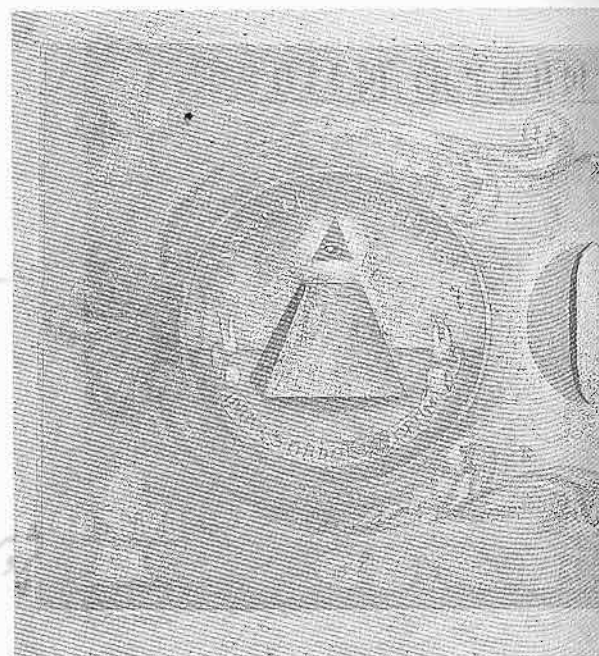
در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، لیرهٔ استرلینگ به عنوان پول رایج بین‌المللی در بالاترین حد قدرت خود بود. از میان تمامی رقیبان احتمالی، دلار ایالات متحده به نظر می‌رسید کمترین شانس را برای جایگزینی آن دارا باشد. ایالات متحده، بدهکار مبالغ نامعلومی در سطح بین‌المللی بشمار می‌رفت، آنهم بدون یک بانک مرکزی و یک سیستم پولی واحد و منحصر بفرد. دلار تنها در قرن بیستم، در نتیجهٔ بروز یک سلسله حوادث در هم و برهم که به ایجاد اقتدار بانکداری مرکزی، سیستم اندوختهٔ فدرال و پذیرش دلار به منظور قابل اعتماد کردن دولت فدرال منجر شد، به مراحل تسلط خود صعود کرد.

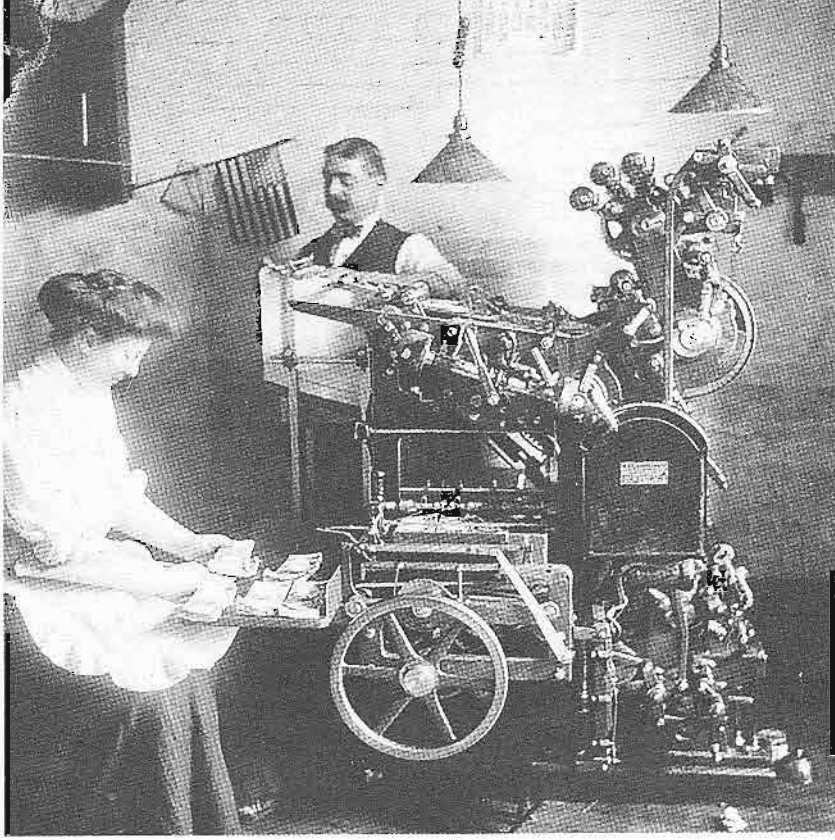
طبق قانون اساسی ایالات متحده، که در ۱۷۸۹ به تصویب رسید، دولت فدرال از حق ویژهٔ انتشار سکه و پول برخوردار نبود، حال آنکه چنین حقی در نظامهای پولی اروپایی برای فرمانروا وجود داشت. فقدان قانونگذاری صریح در باب موضوعات پولی سبب شد که پرداختها به طرقی بسیار گوناگون و عملاً بدون هیچ کنترل مرکزی یا پشتوانه، صورت گیرد. در این شرایط هرج و مرج، سکه‌های بیگانه تا سال ۱۸۵۷ نقش پول قانونی در گردش را ایفا می‌کردند و تا اواخر سال ۱۹۰۱ یک معدن نقره در اریگون همچنان به نشر سکه‌های نقرهٔ خود برای «مصرف بازرگانی» ادامه می‌داد.

به دنبال خلفای ناشی از انتشار پول توسط برخی از ایالات متحده، ایالات مزبور از نشر اسکناس منع شدند. لکن هیچ چیز آنان را از ایجاد بانک، که در نشر اسکناس آزاد بود، باز نداشت. به عنوان مثال ایالت کنتاکی بانکی



سمت راست، «ایالات متحده و دلار هایش» (۸۹-۱۹۸۸)، سه تابلو نقاشی از یک سری نقاشیهای آکرلیک اثر ایزیا لویان (متولد روسیه سفید در ۱۹۱۴) به ابعاد ۲۱۰ × ۹۰ سانتیمتر. تصویر بالا، سکهٔ نقرهٔ نشر یافته در ایالت ماساچوست در ۱۷۸۷.





خصوصی دائر کرد که خود مالک منحصر بفرد آن محسوب می‌شد و پرداختهای خود را از طریق اسکناسهای این بانک انجام می‌داد. این رسم تک‌محوری در باب موضوعات پولی، شیوع بانکداری «بی اعتبار» را دامن زد و سبب شد که قوانین «بانکداری آزاد» در سطح ایالت در این دوره، که به هر فرد یا انجمن متشکل از افراد اجازه دائر کردن بانک و نشر اسکناس را بدون جواز یا کنترل می‌داد، رواج یابد. فقدان بانک ملی بدان معنا بود که حتی دولت فدرال ناگزیر بود داد و ستدهای مالی خود را یا از طریق بانکهای خصوصی و یا به شکل پرداخت مسکوک (سکه یا شمش) انجام دهد. در ۱۸۴۰، رئیس جمهور وقت، مارتین وان بورن، «سیستم مستقل خزانه‌داری» را، که دادوستدهای دولت را از طریق خدمات جانبی در سراسر کشور برگزار می‌کرد، تأسیس نمود. از آنجا که خزانه‌داری بانک محسوب نمی‌شد، و قادر به نشر اسکناس نبود، کلیه دریاقتها و هزینه‌های دولت بناچار به صورت پرداخت طلا یا نقره صورت می‌گرفت. هزینه‌های مازاد بر مالیات را جز از راه انتشار بدهی دولت، که پرداخت آن بشکل طلا تعهد می‌شد، نمی‌توانستند تأمین مالی کنند.

شد که بزودی تمامی آنها را از پول در گردش کنار زد. بانکهای ایالتی، با عرضه خدمات ارزی به صورت چک در برابر حسابهای سپرده به مقابله برخاستند، که به عنوان جایگزینی درخور توجه برای اسکناسهای بانک ملی جا افتاد.

جنگ داخلی و نخستین اسکناسهای پشت سبز

بسیاری از نظم و ترتیبهای اعمال شده در باب پول رایج اواخر قرن نوزدهم را می‌توان در مسئله نیاز تأمین مالی جنگ داخلی در سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ ردیابی کرد. خزانه‌داری ابتدا «اسناد پرداخت»ی که پول قانونی نبود اما قابل تبدیل به طلا بود، منتشر ساخت. لکن، اندوخته‌های کم‌دوام طلای خزانه مزبور، بزودی مانع از تبدیل این «اسناد» به طلا شد. پس از آن، اجرای اهداف جنگ با نشر «اسکناسهای ایالات متحده» که بر عهد و اعتبار دولت استوار بود، تأمین مالی شد. این اسکناسها از نظر عام «اسکناسهای پشت سبز» نام گرفت، نامی که دلار ایالات متحده نیز، امروزه، در سراسر جهان به آن معروف است. نشر اسکناسهای پشت سبز به رقم ۴۳۳ میلیون دلار محدود می‌شد؛ بنابراین، در مواجهه با بالا گرفتن مشکلات در امر استقراض و هزینه‌های روبه‌تزايد، وزیر خزانه‌داری، سالمن جیس بر آن شد تا «بانکداری آزاد» را در مقیاسی ملی به اجرا در آورد. قانون بانک ملی سال ۱۸۶۳ به هریک از گروههای پنج نفره اجازه داد تا یک «انجمن بانکداری ملی» تشکیل دهند و «اسکناسهای بانک ملی» را، به مقداری برابر با موجودیهای خود از اسناد قرضه دولت فدرال که با نظارت ناظر اسکناس^۱ در بانک گذاشته شده بود، منتشر سازند.

برای پیشگیری از رقابت اسکناسهای بانک ایالتی یا بانک ملی، یک مالیات ده درصد بر اسکناسهای ایالتی بسته

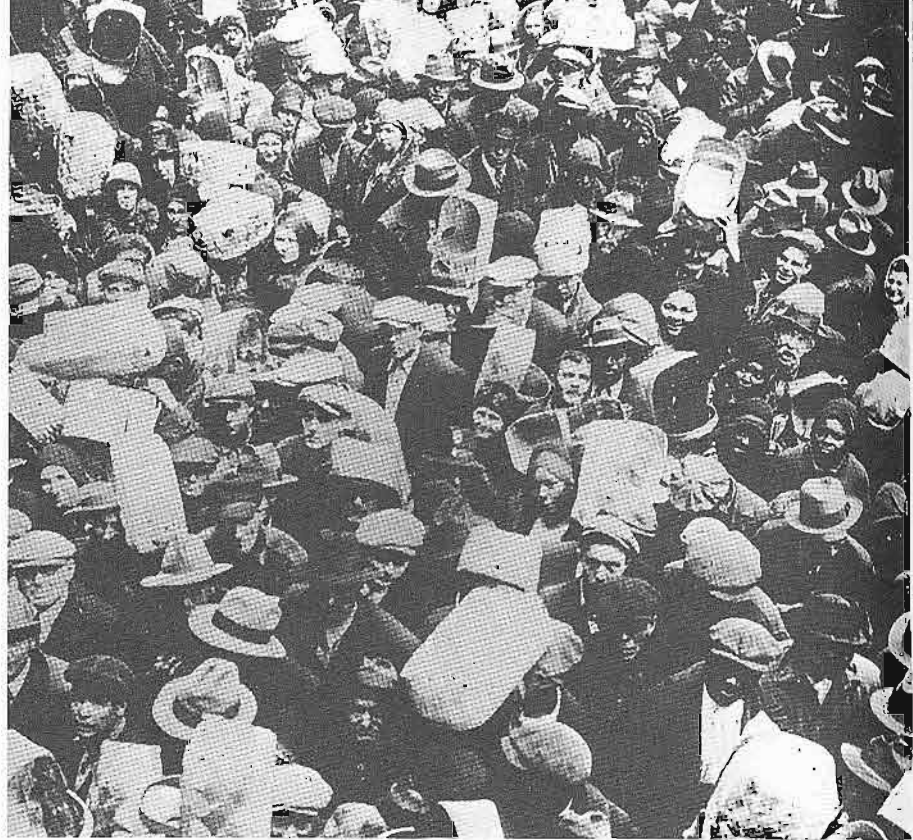
بالا راست:
مانسین جاب اسکناسهای بانک در ایالات متحده به سال ۱۹۲۰؛
بالا، چپ:
امریکاییان بیکار در دوران کساد و بحران ۱۹۲۹ تجمع کرده‌اند تا دست به معاملات پایابای بزنند؛
وسط: رو و پشت سکه طلای ۲۰ دلاری که در ۱۸۹۹ نشر یافته است.
پائین: اسکناس ۱۰۰ دلاری نشر یافته از طرف اتحادیه ایالات آمریکا در ۱۸۶۴، در خلال جنگ داخلی، که متعهد می‌شود «دو سال پس از تصویب بیمان صلح» قابل خرج کردن باشد.

با پایان گرفتن جنگ داخلی، چندگانگی وسایل پرداخت، که نشان دهنده دیون هزاران بانک ایالتی بود، تا حد زیادی به شکل اسکناسهای پشت سبز، و اسکناسهای بانک ملی تقلیل یافته بود، که هیچیک از آنان نیز قابل تبدیل به مسکوک نبود؛ لکن، نشر آنها بغایت محدود بود. پول در گردش ایالات متحده بدینگونه بشکلی سفت و سخت ثابت و بسته بود، بطوری که نمی‌توانست پاسخگوی نوسانات بازرگانی و بحرانهای مکرر ناشی از ورشکستگیهای بانکهای بدون نظم ایالتی باشد (به عنوان مثال، دو سال پس از ورود بانکداری آزاد در میشیگان، کلیه چهل بانک آن ورشکسته شده بود).

دلار مبتنی بر طلا

چون ایالات متحده اساساً کشوری کشاورزی محسوب می‌شد، تقاضا برای پول به برداشت محصول بستگی داشت. به مجردی که محصولات کشاورزی به فروش رسید، سپرده‌های بانکی کشاورزان در نواحی کشاورزی بالا گرفت، و به کسری صندوق در بانکهای شهری شرق آمریکا منجر شد. سیستم بانک ملی واحدهای کوچک تک نفره، فاقد مکانیزمی برای دوباره به گردش انداختن موجودیهای اضافی، آنگونه که در یک بانک چند شعبه‌ای امکانپذیر می‌نمود، بود. علاوه بر آن، بدون یک بانک مرکزی جهت وام دادن اندوخته‌ها، راه برخورد با این نوسانات، جدا از تغییرات سریع در نرخهای بهره، یا اعلام ورشکستگی بانک،





خود، بی‌ثباتی در سیستم پولی بین‌المللی را ایجاد کرد. این پدیده، بویژه، در ۱۸۹۳ بسیار جدی بود؛ در این دوره این وحشت وجود داشت که ایالات متحده نتواند بموقع دیون دولتی خود را به صورت طلا پرداخت کند و به جای آن از نقره، که قیمتش در بازارهای جهان در حال سقوط بوده، استفاده کند و نتیجه این کار به خروج کلان طلا و ورشکستگی بانکی گسترده منجر گردید.

پیدایش سیستم اندوخته فدرال

خروج مزبور، جای خود را به قانون ۱۹۰۰ مربوط به پایه طلا داد، که دلار را به نحوی محکم بر پایه طلا استوار ساخت^۲ و از بانکهای ملی رسماً خواست تا اسکناسهای خود را با پشتوانه طلا نشر دهند. بین سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۱۰ موجودیهای طلای مردم سه برابر شد، بهمان نسبتی که رقم طلاهای خزانه‌داری بالا رفته بود. نسبت اندوخته طلای پولی جهان که در ایالات متحده نگاهداری می‌شد، از ۱۵ به ۳۰ درصد صعود کرد؛ آنهم در هنگامی که بسیاری از کشورهای دیگر (از جمله کشور مشترک اتریش-هنگری، روسیه و ژاپن) نیز سرگرم پذیرش پایه طلا بودند. به مجرد آنکه گسترش تأمین طلا روه کندی نهاد، تراکم طلا در ایالات متحده مشکلات به مراتب بیشتری نسبت به خروج پیشین به بار آورد، به خاطر اینکه، به محض ورود طلا به خزانه‌داری نتوانستند آن را به موقع از خزانه‌داری بیرون بکشند، جز در یک مورد از تأمین مالی کسری تراز پرداختها که مربوط به دوره‌ای بود که دارایی کشور بیش از بدهی آن بود. با عرضه سیستم خزانه‌داری مستقل، طلا را نتوانستند به عنوان پایه و اساس به کار گیرند تا پول ایجاد کنند، یا آن را به عنوان وامدهی در آخرین وهله به خدمت در آورند.

بحران دیگری که به سال ۱۹۰۷ در بانکداری پیش آمد سبب شد که قانون‌گذاران به فکر ایجاد مؤسسه‌ای ملی بیفتند که بتواند نوسانات پیش آمده در تقاضا برای نقدینگی جاری را با روشهایی غیر از جذب طلا از خارج پاسخ گوید. یک چنین مؤسسه‌ای، سرانجام، بر اساس قانون اندوخته فدرال در سال ۱۹۱۳ تأسیس شد.

قانون مزبور کشور را به دوازده بخش، هر بخش با بانک مرکزی فدرال خودش، تقسیم کرد و از دوم نوامبر ۱۹۱۴ به آن عمل شد. بانکهای ملی موجود، با خرید سهام از بانکهای مرکزی فدرال، ناگزیر از پیوستن به این سیستم شدند. این بانکهای مرکزی، قدرت نشر نوعی جدید از پول بنام اسکناس اندوخته فدرال، یا پول قانونی برای ادای کلیه دیون و تعهدات بانکها و دولت ایالات متحده را دارا بودند. این اسکناس جدید، قرار بود جای اسکناسهای بانک ملی را بگیرد. پشتوانه نشر آنها، حداقل تا ۴۰ درصد، با طلا

وجود نداشت. به‌همراه مصرف خالص مسکوک در خزانه‌داری مستقل و فقدان قوانین سخت و سخت بانکداری، این امر به بی‌ثباتی و بحرانهای بی‌دری منجر شد. این بی‌ثباتی، از جانب عده‌ای به فقدان مسکوک نسبت داده شد، بحث و جدلی که توسط کسانی که به پایه و اساس قرار دادن نقره به عنوان سیستم پولی ایالات متحده علاقه‌مند بودند در گرفت. «حرکت آزاد نقره» بتوسط ویلیام جیننگز برابان، که ضرب نامحدود سکه نقره را به عنوان پول قانونی درخواست کرد، شروع شد. قانون ۱۸۷۸ بلاند-آلسون به خزانه‌داری امکان داد که گواهینامه‌های نقره منتشر کند که در ۱۸۸۶ بصورت پول قانونی درآمد و قانون نقره شرمین در ۱۸۹۰، خزانه‌داری را عملاً قادر به خرید تمامی تولید معادن نقره ایالات متحده کرد. در ۱۸۸۲ ماده قانون مشابهی برای گواهینامه‌های طلا وضع شد؛ لکن، هیچگونه جاذبه و کششی را که انتظار می‌رفت، به پول رایج آن زمان نبخشید.

سیستم مزبور مسائل جدی بین‌المللی و همچنین مسائلی داخلی بوجود آورد، زیرا، نوسانات پیش آمده در تقاضاهای داخلی برای نقدینگی جاری را، تنها نمی‌توانستند، یا حرکتهای طلا در سطح بین‌المللی پاسخ گویند، که آنهم بنوبه



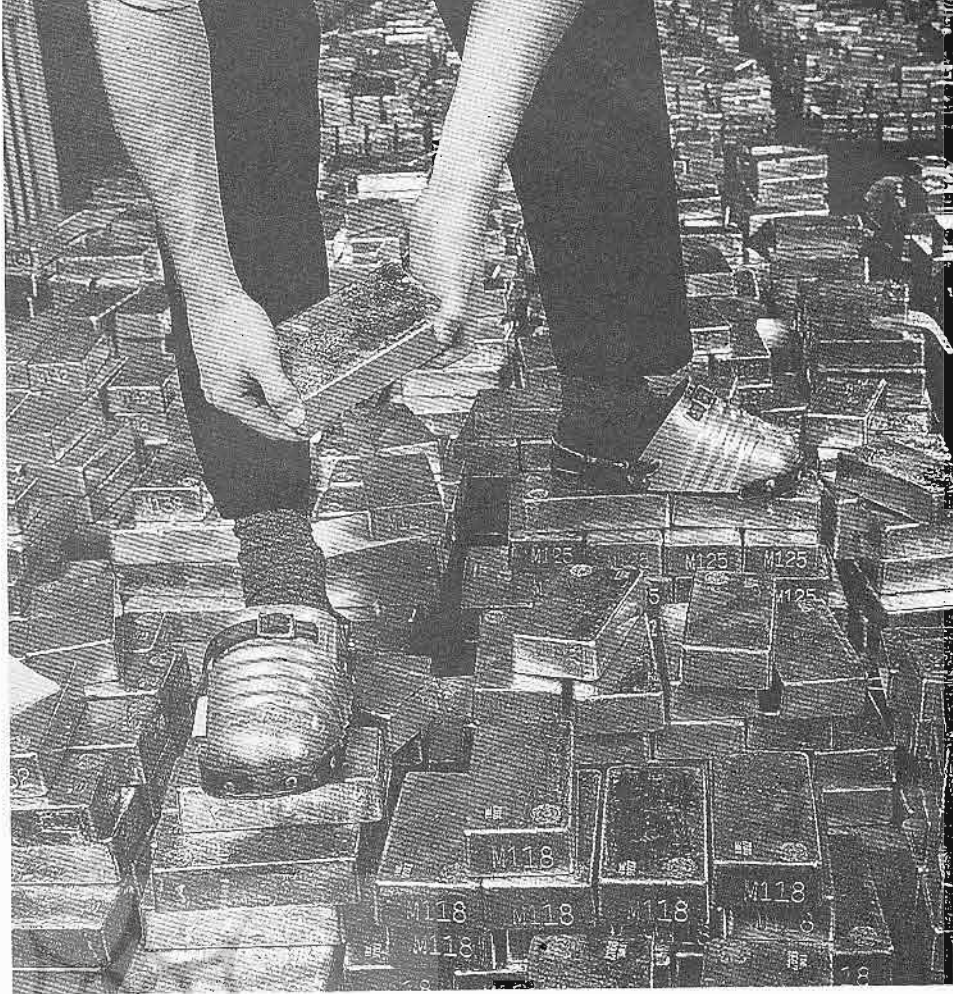
موقعیت بریتانیای کبیر با جنگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ تضعیف شد، و دلار نسبت به لیره استرلینگ قوی تر شد. از این گذشته، نظام اقتصادی ایالات متحده، پس از یک رکود کوتاه مدت، با تولید رادیو و اتومبیل در دهه ۳۰-۱۹۲۰ به پیروزی دست یافت.

سرازیر شدن وجوه سرمایه‌گذاری کلان به ایالات متحده، نخست بخاطر رشد سریع و رونق بورس سهام و ارز، و سپس، در اثر ترخهای بهره بالا، که در تلاش برای درهم شکستن رواج سفته بازی در وال استریت بکار گرفته می‌شد، بوقوع پیوست؛ این امر اوضاع مالی بین‌المللی را شدیداً برهم ریخت و ثبات نرخهای ارز را فرو پاشید. سقوط بورس سهام و ارز در سال ۱۹۲۹، ورشکستگی بانکی کلانی به بار آورد که از توانایی اندوخته فدرال برای جبران آن بسی بدور بود، و سقوط ارزشهای سرمایه‌گذاری سبب کساد و بحران در سراسر جهان شد.

آشکاری سوء استفاده گسترده بانکها، که پس از سقوط وال استریت بظهور رسید، بیانگر کاستیهایی در وظایف سرپرستی هیأت رئیسه مرکزی فدرال و نیز در شایستگی آن در به‌نظم درآوردن سیاست پولی جهت پیشگیری از ورشکستگی بانکهایی بود که حتی مدیریت عالی نیز داشتند. یک سری اقدامات، از جمله ملی کردن طلا، کاستن از ارزش دلار تا سقف ۳۵ دلار در هر اونس طلا، و قانون بانکداری ۱۹۳۵ که به هیأت رئیسه مرکزی فدرال حق کنترل سیاست پولی را اعطاء کرد، سرانجام سیستمی بوجود آورد که از لحاظ قدرت و وظایفی که بر عهده داشت با یک بانک مرکزی اروپایی برابری می‌کرد.

بدینگونه دوره جنگ، موقعیت اندوخته ایالات متحده و همچنین سیستم مالی داخلی را توان بخشید. آمریکا آماده بود تا بر نقش لندن به‌عنوان بانکدار جهان برتری یابد. در این هنگام بروز جنگ جهانی دوم لندن را ناامن ساخت و بریتانیای کبیر را از یک بستانکار بین‌المللی به یک بدهکار بین‌المللی تنزل داد و در نتیجه ایالات متحده بستانکار عمده جهان شد. هر کشوری که می‌خواست برای بازسازی پس از جنگ کالا خریداری کند ناچار بود دست به تهیه دلار بزند و بدین ترتیب دلار پول رایج برتر در سطح بین‌المللی گردید.

۱. پسوی اسپانیایی، با عدد هشت، که در دستورات اسپانیایی و انگلیسی آمریکا رایج و در بین مردمی که انگلیسی حرف می‌زدند به دلار معروف بود، شباهت دلار با این سکه، ناشی از طرح و انتخاب واحد پولی ایالات متحده به‌عنوان دلار موجود در ۱۷۹۲ بوده است، خود این واحد، شکل تغییر یافته واژه آلمانی تالر است.
 ۲. مقام رسمی خزانه‌داری و مسئول طرح و نشر اسکناسهای بانک ملی.
 ۳. سگهای طلا بر پایه کامل طلا در گردش است و بنابر تقاضا، اسکناسهای بانک را می‌توان با طلا مبادله کرد. این بدان معناست که کشور منکی بر پایه طلا باید اندوخته‌ای کافی از طلا در اختیار داشته باشد تا تقاضایش برآورده شود. بر پایه مبادله طلا، هر کشور اندوخته‌های خود را به منکی پون رایج دیگری، بغیر از پول خود، نگاهداری می‌کند، که فی‌نفسه بر پایه طلا استوار است.
- ترجمه پرویز محبت



نمونه‌های طلا در بانک مرکزی فدرال نیویورک.

تأمین می‌شد؛ حال آنکه مابقی اسکناسها، در برابر اوراق بهادار بازرگانی و دیگر داراییهای قابل قبول، که با تنزیل از بانکهای عضو بدست می‌آمد، منتشر می‌شد. این نظم و ترتیب، نیاز به یک وسیله کشش‌دار را برای پرداخت برآورده می‌کرد، شیوه پرداختی که می‌توانست بسط یابد و با نوسانات پیش آمده در امر بازرگانی و موقعیت سیستم بانکداری، سر سازگاری در پیش گیرد. بانک عضوی که از لحاظ نقدینگی جاری در مضیقه بود، می‌توانست این کسری را با تنزیل داراییهایش از طریق مبادله آن با اسکناسهای اندوخته فدرال در بانک مرکزی بخش خود جبران کند. هیأت رئیسه مرکزی فدرال، که از جانب رئیس جمهور منصوب شده و در شهر واشینگتن مستقر بودند، نارااحتیهای چندی را برای بانکهای مرکزی فدرال، که در تملک بانکداران خصوصی بود و توسط ایشان اداره می‌شد، به‌بار آورد. به‌هیچ وجه معلوم نبود چه کسی مسئولیت سیاست پولی را بر عهده دارد؛ لکن، بانکداران مزبور، ظاهراً بر این مشکل غلبه کرده بودند.

با اینهمه دو شرط لازم برای تسلط بعدی دلار در سطح بین‌المللی، در آن حال، مورد نیاز بود: تراکم کلان ذخیره طلای جهان در ایالات متحده، که سیستم پولی بین‌المللی را مجبور می‌ساخت تا به‌سوی یک پایه مبادله طلا به حرکت درآید، و ایجاد پول رایج ملی واحد، که از طرف یک مقام دولتی منحصر بفرد و با توانایی یک وام‌دهنده دست آخر نشر می‌یافت.

جان کرگل،

اهل ایالات متحده، استاد اقتصاد در مرکز بولونیای ایتالیا از دانشگاه جانز هاپکینز، و اعم در بانکی ایالات متحده آمریکا. آثار چاپ شده او عبارت از: بازسازی نظام اقتصادی سیاسی (۱۹۸۳)، بحرانهای تورم و درآمد (۱۹۸۹)، که هر دو از انتشارات مک‌میلن هستند، و شماری مقالات مندرج در نشریات بررسی اقتصادی آمریکا و مجله اقتصاد دوران پس از کینز.